



۷ امتیاز علم

امیرالمؤمنین (ع):
 به هفت جهت علم از مال برتر است. اول آنکه علم میراث انبیایی است و مال میراث فراتر است؛ دوم علم را هر چه انفاق و خرج کنی کم نمی‌شود، بلکه ز یاد هم می‌شود، ولی مال را هر قدر خرج کنی، کسر می‌شود؛ سوم مال احتیاج به نگهداری و صاحب مال باید در نگهداری او مراقبت کند، ولی علم نه تنها احتیاج به مراقبت ندارد، بلکه صاحب خود را هم از خطرها و ضررها حفظ می‌نماید؛ چهارم علم در کفن و قبر تا آخر همراه انسان است، ولی مال بعد از مرگ همراه آدمی نیست؛ پنجم مال برای مؤمن و کافر حاصل می‌شود، ولی علم فقط برای مؤمن حاصل می‌شود (مراد علم شریعت و دین است)؛ ششم جمع مردم در امور دینشان نیازمند به علمند، ولی نیازمند به آدم مالدار نیستند؛ هفتم علم در موقع عبور از صراط صاحبش را یاری می‌کند، ولی مال در عبور از صراط مانع و مزاحم صاحب مال می‌شود.

منبع: الموعظ العبدی (تصایح شمارشی)؛ صفحه ۱۹۷



توصیه آیت‌الله بهجت برای حضور در نماز

آیت‌الله بهجت (ره):
 یکی از عوامل حضور قلب در نماز این است که در تمام ۴۲ ساعت، حواس (بصره، سامعه و...) خود را کنترل کنی؛ زیرا برای تحصیل حضور قلب باید مقدّماتی را فراهم کرد؛ باید در طول روز گوش چشم و همچنین سایر اعضا و جوارح خود را کنترل کنی.

منبع: کتاب جرعه وصال؛ صفحه ۴۴



به فکر خود باشید

آیت‌الله سعادت پرور تهرانی (ره):
 ای عزیزان من! اگر می‌توانید در شبانه‌روز، ساعات و لاقط دقایقی را به فکر خود باشید تا بر شما روشن شود چه کاره هستید، برای چه هستید و کجا می‌روید تا عمر به غفلت نگذرد.

منبع: کتاب «پندنامه سعادت»؛ صفحه ۳۴



اشاره‌ای برای عقلا

علامه حسن‌زاده آملی (ره):
 عاقل اشاره کلفی است از سلیمان بنی‌عز (ع). روایت است که به مردم می‌فرمود: «مواظب واردات و صادرات دهن خودتان باشید.»

منبع: کتاب دستور العمل‌های اخلاقی و سبروشلوک؛ صفحه ۳۳



گفتاری از شهید استاد مرتضی مطهری (ره) در باب ویژگی‌های عقل و اهمیت پرورش عقل در افراد و جامعه

پیامبران عقل‌مردم را بیدار می‌کردند

تنظیم: محمدصادق عبدالهی

پرورش عقل مسئله‌ای بسیار مهم در اسلام است. در روایات مختلفی که از ائمه نقل شده است، «عقل» معیار برتری و حجت انسان بوده است. به عنوان نمونه، این سکیت به امام‌های (ع) عرض کرد: «بفرمایید که امروزه حجت بر مردم چیست؟» حضرت فرمود: «عقل که به واسطه آن امام راستین شناخته و تصدیق شود و امام دروغین شناخته و تکذیب شود.» (الکافی: ۱/۲۵۱/۲۰) با این تأکیدات فراوان و از آنجا که متأسفانه این باب از تربیت دینی گویا در جامعه رنگ باخته است، در ادامه گفتاری را از استاد شهید مرتضی مطهری (ره) درباره عقل و ویژگی‌های تربیت عقلانی مرور کرده‌ایم. این گفتار براساس کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» تنظیم شده و در هر پاراگراف شماره و صفحه مربوطه ذکر شده است.

در اسلام مسائلی است راجع به عقل و پرورش تفکر عقلانی. آگاهی که بر این مسائل عبور می‌کنیم خیال می‌کنیم که یک عده مسائل نظری بیان شده‌اند، ولی هدف از این بیان‌ها تعلیم و تربیت است و اینها برای آن گشته می‌شود که افراد مسلمان باید این‌گونه بار بیایند. (۲۹)

در جامعه باید رشد عقلانی شکل بگیرد

در افراد و در جامعه باید رشد شخصیت فکری و عقلانی و قوه تجزیه و تحلیل در مسائل پیدا بشود. در همین آموزش‌ها و تعلیم و تربیت‌ها در مدرسه‌ها، وظیفه معلم بالاتر از اینکه به بچه یاد می‌دهد، این است که کاری بکند قوه تجزیه و تحلیل او قدرت بگیرد، نه اینکه فقط در مغز وی معلومات بریزد. (۱۹)

امروز هم این امر ناقص می‌شمارند که هدف آموزگار فقط این باشد که سلسله‌ای معلومات، اطلاعات و فرمول در مغز متعلم بریزد، آنجا انبار کند و ذهن او بشود مثل حوضی که مقداری آب در آن جمع شده است. هدف معلم باید بالاتر باشد و آن این است که نیروی فکری متعلم را پرورش و استقلال بدهد و قوه ابتکار او را زنده کند. (۱۶) مغز انسان، درست حالت معده انسان را دارد. معده‌ای که مرتب‌بسر آن غذا تحمیل می‌کنند و تا آنجا که جا دارد به آن غذا می‌دهند، دیگری فرست و فرصت و امکان برایش پیدا نمی‌شود که این غذا را درست حرکت بدهد و بسازد. آن وقت می‌بینید اعمال گوارشی اختلال پیدا می‌کند. مغز انسان هم همین‌گونه است. در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن داده بشود و دانش‌آموز به فکر کردن ترغیب گردد. (۱۹)

عقل باید غربال کند

در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ» آیه عجیبی است؛ بشارت بده بندگان مرا، آنان که سخن را استماع می‌کنند، بعد چه کاری می‌کنند؟ آیا هر چه را شنیدند همان را باور می‌کنند و همان را به کار می‌بندند، یا همه را یکجا رد می‌کنند؟ «فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» نقادی می‌کنند، سبک‌سوزنگین می‌کنند، ارزیابی می‌کنند، آن را که بهتر است انتخاب می‌کنند و آن بهتر انتخاب‌شده را پیروی می‌نمایند! آن وقت می‌فرماید: چنین کسانی هستند که خدا آنها را هدایت کرده (یعنی هدایت الهی و استفاده از نیروی عقل این است) «أُولَئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ». اینها به راستی صاحبان عقل هستند. این، دعوت عجیبی است؛ خدا اهل عقل و فهم را بشارت داده است. از این آیه کاملاً پیداست که یکی از بارزترین صفات عقل برای انسان، همین تمییز و جدا کردن است، جدا کردن سخن ضعیف از سخن قوی، سخن منطقی از سخن غیرمنطقی و خلاصه غربال کردن. عقل آن وقت برای انسان عقل است که به شکل غربال درآید، یعنی هر چه را که وارد می‌شود سبک‌سوزنگین کند، آنهایی را که به درد نمی‌خورد دور بریزد و به‌دردیخورها را نگه دارد. (۳۰) حدیثی هست از پیغمبر اکرم (ص) ناظر به همین مطلب و البته از این احادیث زیاد است. می‌فرماید: «برای جهالت انسان همین بس که هر چه می‌شنود نقل کند.» (خوش‌باوری). بعضی‌ها خاصیت ضبط صوت و گرامافون را دارند. گویا هر چه دیگران می‌گویند بر می‌شوند و بعد هم در جای دیگر تحویل می‌دهند بدون آنکه تشخیص بدهند آنچه می‌شنوند صحیح است یا غلط. (۳۱)

عقل باید آخرین باشد

یکی دیگر از خواصی که تربیت عقل افراد باید بر این اساس باشد، مسئله اینده را به حساب آوردن (و آخر بینی) است که روی این مطلب نیز در تربیت اسلامی زیاد تکیه می‌شود که خودتان را در زمان حال حبس نکنید، به آینده توجه داشته باشید و عواقب و لوازم و نتایج نهایی کار را در نظر بگیرید. حدیث معروفی است که شخصی می‌آید خدمت حضرت رسول و عرض می‌کند: مرا موعظه بفرمایید. حضرت به او فرمود: آیا اگر بگویم به کار می‌بندی؟ باز حضرت تکرار کرد: «آیا اگر بگویم به راستی به کار می‌بندی؟ گفت: بلی. یک دفعه دیگر هم حضرت این جمله را تکرار فرمود. این سه بار تکرار برای این بود که حضرت می‌خواست کاملاً او را برای آن حرفی که می‌خواهد بگوید آماده کند. همین که سه بار از او اقرار گرفتند و آماده‌اش کردند، فرمودند: «هر کاری را که به آن

تصمیم می‌گیری، آن آخرهایش را نگاه کن.» (تلخیص ۳۴ و ۳۵)

عقل باید با علم توأم باشد

مسئله دیگر این است که عقل و علم باید با یکدیگر توأم باشد. اگر انسان تفکر کند، ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد یا ماده خامش کم است، قهر نمی‌تواند کار کند یا محصولش کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به اینکه ماده خام برسد. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند، باز فلج است و محصولی نخواهد داشت. عرض کردیم علم، فرآگیری است، به‌منزله تحصیل مواد خام است. عقل، تفکر و استنتاج و تجزیه و تحلیل است. (۳۵)

عقل باید از عادات اجتماعی فارغ باشد

مطلب دیگر، مسئله آزاد کردن عقل است؛ از حکومت تلقینات محیط، عرف و عادت و به‌اصطلاح امروز از نفوذ سنت‌ها و عادات‌های اجتماعی، قرآن اساسش بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از آبا و گذشتگان هستند و تعقل و فکر نمی‌کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد بکنند. هدف قرآن از این مذمت چیست؟ هدف قرآن تربیت است. یعنی در واقع می‌خواهد افراد را بیدار کند که مقیاس و معیار باید تشخص و عقل و فکر باشد نه صرف اینکه پدران یا چنین کردند ما هم چنین می‌کنیم. من بکوقتی آیات قرآن راجع به تقلید و پیروی کورکورانه از پدران را استخراج کردم، دیدم آیات خیلی زیادی است و چیزی که برای من جالب بود این بود که با اینکه هر پیغمبری در میان قوم خود با اشکالاتی مواجه بوده که مخصوص آن قوم بوده، ولی اشکالی عمومی در میان همه اقوام بوده و آن مصیبت تقلید از آبا و اجداد و گذشتگان و به قول امروز هاست گرای بوده است و پیغمبران برعکس، عقل مردم را بیدار می‌کردند و می‌گفتند فکر کنید! آیا اگر پدرانمان غفلشان به جای نمی‌رسید و چیزی نمی‌فهمیدند باز هم شما باید از آنها پیروی کنید؟! (تلخیص ۳۶ و ۳۷)

عقل باید راه‌شناس باشد نه پیرو جماعت

در آیه ۱۱۶ سوره انعام آمده است: «وَإِنْ تَطَعُوا لَكُمْ فِي الْأَرْضِ يُضَلُّوكُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» خلاصه آنکه نباید انسان این‌گونه باشد که ببیند اکثر مردم کدام راه را می‌روند، همان راه را برود و بگوید آن راهی که اکثر مردم می‌روند همان درست است. همان‌طور که انسان طبعاً به سوی تقلید از دیگران کشیده می‌شود، طبعاً به سوی اکثریت نیز کشیده می‌شود، و قرآن مخصوصاً همان چیزی را که انسان طبعاً به سوی آن کشیده می‌شود انتقاد می‌کند، می‌فرماید: «اگر اکثر مردم زمین را پیروی کنی تو را از راه حق منحرف می‌کنند.» دلیلش این است که اکثر مردم پیرو گمان و تخمینند نه پیرو عقل و علم و یقین، و به راه‌های عتکبوتی گمان خودشان چسبیده‌اند. (۳۸)

عقل باید فارغ از قضاوت دیگران باشد

مسئله دیگر که باز مربوط به تربیت عقلانی است این است که قضاوت‌های مردم در باره انسان نباید برای او ملاک باشد. اینکه انسان در مسائلی که مربوط به خودش است تحت تأثیر قضاوت دیگران قرار بگیرد، صحیح نیست و به ما گفته‌اند: هرگز تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران نسبت به خودتان قرار نگیرید. (۳۸) اگر تو گردویی داشته باشی و هر کس به تو می‌رسد بگوید چه لؤلؤهای عالی‌ای داری، وقتی تو خودت می‌دانی که گردو است نباید در تو اثر داشته باشد! و عکس قضیه: اگر تو لؤلؤی در دست داشته باشی و هر کس به تو می‌رسد بگوید این گردوها را از کجا آوردی، تو نباید ترتیب اثر بدهی. پس نباید به قضاوت مردم تکیه داشته باشی. تو اول تشخیص بده که چه داری، واقعاً ملکات خودت چه هست، ایمانت چه هست، یقینت چه هست؛ اگر دیدی که چیزی نیستی، گیرم که مردم اعتقاد خیلی زیادی هم به تو دارند، امر به خودت مشتبه نشود، به فکر اصلاح خودت باش. عکس قضیه: اگر احساس می‌کنی که راهی که می‌روی راه خوبی است، گیرم مردم تو را تخطئه می‌کنند، نباید به حرف آنها ترتیب اثر بدهی. (۳۹)



اللَّهُمَّ أَحْسِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً

اولیا و علما از راهکارهای اعتلای نمازهای یومیه را آموختن اذکار و ادعیه جدید برای ذکر قنوت دانسته‌اند. در این راستا فرآزهایی از دعا‌های واصله از ائمه معصومین (ع) می‌تواند طعم شیرین عبادت را به نمازگزار بچشاند. در این ستون به صورت هفتگی ادعیه‌ای به اشتراک گذاشته خواهد شد.

در قرآن ۱۱۷ از دعای چهل و هفتم صحیفه سجاده می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ! أَحْسِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَ تَبْلُغُ مَا أَحْبَبْتُ مِنْ حَيْثُ لَا أُنِي مَا تَكْرَهُ، وَ لَا تُكَيِّبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَ أَمْنِي مَبْتِئَةً مِنْ يَسْتَعِي نُورَةَ نَبِيِّ يَذِيهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ» مرا به زندگی‌ای پاکیزه زنده بدار که با آنچه دلخواه من است توأم گردد و به آنچه دوست می‌دارم پایان یابد و در این میان، کاری که تو ناپسند می‌داری، انجام ندهم و چیزی را که نهی فرموده‌ای، مرتکب نشوم و مرا همچون کسی بمیران که نورش در پیش‌رو و از سمت راستش در حرکت است.



درجات و مراتب چهارگانه مراقبه

علامه سید محمدحسین حسینی طهرانی (ره) در ذکر مراحل مراقبه آورده‌اند: درجه اول مراقبه این است که سالک از محرّمات اجتناب کرده و تمامی واجبات را ایتان کند و در این دو امر به هیچ وجه من‌الوجه مسامحه نوزد.

درجه دوم آن است که مراقبه را شدید کرده و سعی کند، هر چه می‌کند برای رضای خدا باشد و از اموری که لهو و لعب نامیده می‌شود، اجتناب نماید و چون در این مرتبه اهتمام نمود برای او تمکن پیدا می‌شود که دیگر خود را تابناخته و این خودداری در او به سرحد ملکه برسد.

درجه سوم آن است که پروردگار جهان را پیوسته ناظر خود ببیند و کم‌کم اذعان و اعتراف می‌نماید که خدای متعال در همه جا حاضر و ناظر و نگران همه مخلوقات است و این مراقبه در تمام حالات و در همه اوقات باید رعایت شود.

درجه چهارم مرتبه‌ای است از این عالی‌تر و کامل‌تر و آن این است که خودش خدای را حاضر و ناظر ببیند و به‌طور اجمال مشاهده جمال الهی نماید.

وصیت رسول اکرم (ص) به ابوذر غفاری (رضوان الله علیه) اشاره به این دو مرتبه اخیر از مراقبه است: «اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ تَرَاكَ.» خدای را چنان عبادت کن مثل آنکه گویی تو او را می‌بینی و اگر نمی‌توانی او را ببینی او را طوری عبادت کن که بدانی او تو را می‌بیند.» بنابراین عبادت در مرحله‌ای که خدا او را می‌بیند، پائین‌تر است از مرتبه‌ای که او خدا را می‌بیند.

منبع: کتاب «رساله لبّ الالباب در سیر و سلوک اولی‌الالباب» اثر علامه سیدمحمدحسین حسینی طهرانی (ره)؛ صفحه ۱۶۷ و ۱۶۸



مهربان باشید

آیت‌الله محمدباقر تحریری (حفظه‌الله):

عالم بخواد علمش برای دیگران سودمند باشد و خودش نیز در این راستا مواهب آن بهره‌مند شود، باید حالت و برخورد مهربانانه و دلسوزانه داشته باشد تا با جذب به سوی او از راهنمایی‌های وی بهره‌مند شوند. از این جهت امام علی (ع) در بیان اوصاف علم و عالمان می‌فرماید: «یده الرحمه: دست علم، رحمت است.» همان‌گونه که انسان با دستش، خیرها را کسب می‌کند و نیز به دیگران می‌بخشد، برای انباشته نشدن علم در درون عالم و بهره‌مندی دیگران از آن برای رسیدن به هدف مطلوب باید با آغوش باز با دیگران برخورد کند و ابایی نداشته باشد که علم را در اختیار اهلش قرار دهد.

این حالت، سعه صدر را برای عالم به ارمان می‌آورد؛ چنانکه خداوند متعال کتاب‌های آسمانی را که جنبه هدایت انسان را دربردارد به عنوان رحمت برای او معرفی می‌کند و به پیامبر بزرگوار خود می‌فرماید: «فِيمَا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ: پس به ابرکت رحمت الهی، با آنان نرم شو و پو مهرآ شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

منبع: کتاب گام‌های آغازین سلوک



توصیه مشترک ۳ مرجع کهنسال

آیت‌الله فاطمی‌نیر(ره):

عاقبت بخیر شدن، بسیار مهم است. روشن کردن چراغ ایمان و رساندن آن به قبر خیلی بر اهمیت است. از یکی از علما نقل است که من در نجف اشرف تحصیل کردم و پس از اتمام مدارج عالی‌ه با خود گفتم حالا که زحمت کشیده و علوم دینی را آموخته‌ام، خوب است به ایران برگردم و مشغول خدمت به دین و مؤمنین شوم. نزد یکی از مراجع کهن سال نجف رفته و گفتم: «من تصمیم گرفته‌ام برای خدمت به دین به ایران برگردم، مرا یک نصیحتی بفرمایید.» آن مرجع دلسوخته و راه رفته، تأملی کرد و فرمود: «دعا کنید عاقبت، خیر شود.» پس از آن به خدمت یکی دیگر از مراجع سالخورده نجف رسیده و همان درخواست را نمودم. ایشان هم گفت: «دعا کنید عاقبت، خیر شود.» خیلی تعجب کردم. مدتی بعد رفتم نزد مرجع بزرگوار دیگری و همان تقاضا را نمودم. او هم گفت: «دعا کنید عاقبت، خیر شود.» گویا اینها یک روح در سه بدن بودند که هر سه بک مطلب را بیان کردند و این نشان دهنده عظمت و اهمیت مسئله است.

منبع: کتاب نکته‌ها از گفته‌ها (گزیده‌های از گفتارهای استاد فاطمی‌نیر(ره))؛ صفحه ۲۱۱